

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



[iran.sabz88@yahoo.com](mailto:iran.sabz88@yahoo.com)

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

# روزنامه سبز

نگاه سبز

حافظ موسوی

برای خواهرکم «ندا»

شماره ششم، دوازدهم تیرماه، هزار و سیصد و هشتاد و هشت

پزشک معالج علام کرد

جان سعید حجاریان در

خطر است

## امروز: اجتماع بزرگ ایرانیان در برابر پارلمان اروپا

دولت کودتا، غیر قانونی است

من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد



صدا به صدا نمی رسد  
چشم، چشم را نمی بیند  
بیا به خانه برگردیم خواهرکم  
ما به اندازه کافی بهانه برای گریستن داریم  
بیا به خانه برگردیم  
مگر نمی بینی  
اینجا نه پرندهای آواز می خواند  
نه کودکی لیخند می زند  
و از دهان بهت زده کوچها و خیابانها  
آتش و دود برمی خیزد  
بیا به خانه برگردیم  
اینها بی رحمانند  
گلوله هاشان مشقی نیست  
چشمهای معصوم تو، خواهرکم  
طیقت این همه گاز اشک آور و دشنام و دود را ندارد  
بیا به خانه برگردیم خواهرکم  
این خیابان را  
پیش از این بارها به خون کشیده اند  
اینجا امیرآباد است  
آن بالا، مدال تظلمی برای سرداران  
تظلمی تولید می کنند  
و کمی پایین تر  
خوابگاهی است که ای بسا شبها  
یک ذره خواب به چشمش نیامده است  
بیا به خانه برگردیم

ایرانیان سراسر اروپا امروز در برابر پارلمان اروپا گرد می آیند تا یک صدا فریاد کنند: دولت کودتا غیر قانونی است.

این اجتماع که بدعوت ایرانیان ساکن بلژیک انجام می شود، ساعت ۴ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی آغاز خواهد شد و از هریک از کشورهای اروپایی یک چهره سرشناس ایرانی سخن خواهد گفت.

در دعوت نامه این اجتماع آمده است: "ما از همه هموطنان عزیز دعوت می کنیم که در چارچوب خواسته ها و شعارهای مردم ایران در میتینگ اعتراضی که در برابر شورای اروپا برگزار می شود، شرکت کنند تا بلکه بتوانیم از طریق اتحاد و همبستگی میان خود فریاد بر حق و اعتراضی مردم کشورمان را به گوش جهانیان برسانیم. شرکت شما عزیزان در این گردهمایی سازماندهی شده و قانونی می تواند بارقه ای از

دکتر تقی اسدی - متخصص مغز و اعصاب - و یکی از پزشکان معالج سعید حجاریان اعلام کرد جان او در خطر است.  
مسر سعید حجاریان بعد از ملاقات با او در مصاحبه ای اعلام کرد که همسرش در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و تمام مدت ملاقات فقط می گریسته است. ماموران امنیتی از قول او این خبر را تکذیب کردند.  
این جانب دکتر تقی اسدی (متخصص مغز و اعصاب) یکی از اعضای تیم پزشکی ای هستم که در عرض ده سال قبل با زحمت بسیار زیاد آقای دکتر سعید حجاریان را مورد درمان اختلالات ناشی از اصابت گلوله به سرشان قرار داده ایم. در نتیجه این سوء قصد ایشان دچار آسیب بخشهایی از مغز، و نخاع و هم چنین عروق مغز شدند. حاصل این آسیبها اختلال تکلمی، راه رفتن، و درد میباشد. با درمانهای دارویی متعدد، فیزیوتراپی، کار درمانی و گفتار درمانی ایشان را تا حدی تحت کنترل در آوردیم.  
درمانهای ایشان دائمی، و بدون وقفه بوده و همچنان در حال انجام است.  
هرگونه وقفه در هر یک از این جنبه ها میتواند موجب آسیب بلافاصله و یا

غیز قابل برگشتی برای ایشان بشود

امید را در دل هم میهنانمان در داخل کشور بنایان. با شرکت وسیع در این تجمع اعتراضی می بایست اتحاد عمل میان خود را تقویت کنیم و به مردم کشورمان نشان دهیم که آنها در ایران تنها نیستند و ما همه با آنها هستیم. "

اینجا خوابگاه نیست  
بیدارگاه جوان های ماست  
اینجا آشنیانه کتابها و کاغذهایی است

که ای بسا شبها

چون پرندگانی سپید

در آتش و دود چرخ خورده اند

و با بالهای سوخته

بر نعشها و دست و پاهای شکسته

فروریخته اند

و ای بسا شبها

درها و پنجره هاشان

از زور درد و ضرب چکمه چهل

مانند موشک های کاغذی کودکانه ما

تا آن سوی خیابان، پرواز کرده اند

بیا به خانه برگردیم خواهی کرد

من، از لابه لای این همه شلوغی و

فریاد

صدای مادر را می شنوم

که چشم هایش را به کوچی دوخته است

و از تمام رهگذران

که شانه هاشان امروز، خمیدتر از

دیروز است

می پرسد:

«خانم! آقا! شما ندای مرا ندیده اید؟»

نمی دانم کجاست، موبایلش چرا جواب

نمی دهد؟!»

نه! خواهرکم

حالا دیگر، راهی برای برگشتن نیست

باید به بیمارستان ها سرد خانه ها

زندان ها

باید به ژژشکی قانونی برویم

باید تمام شبها را

دنبال ردپای تو

در کوچه ها و خیابان ها باشیم

فردا، تمام تلویزیون های دنیا

چهره خونینت را پخش می کنند

و صفحه های اول روزنامه ها، در

سراسر دنیا

زیر عکس تو خواهند نوشت:

ایچا تهران است، خیابان امیرآباد

و این «ندا»

ندای نوشکفته آزادی است

که از گلو خونین ملت می بزرگ

بر آمده است.

31/3/88

## حمایت ۷۸ تن از استادان

## دانشگاه های جهان از

## تلاش دانشگاهیان ایران

۷۸ استاد معتبر دانشگاه های بزرگ

جهان با امضای نامه ای از تلاش

دانشگاهیان ایرانی برای رسیدن به

عدالت، برابری، آزادی بیان و

دمکراسی حمایت کردند.

متن نامه باین شرح است: " ما امضا

کنندگان این نامه بدینوسیله قویا هر

شکلی از خشونت و حمله به دانشگاه

های ایرانی را محکوم می کنیم. گذشته

از این، ما از تلاش مداوم دانشجویان،

اساتید و دانشگاهیان ایرانی برای

رسیدن به عدالت، برابری، آزادی بیان

و دمکراسی حمایت می کنیم. ما

همگی، از نهادهای بین المللی می

خواهیم تا با درخواست رعایت حقوق

بشر و امنیت و ایمنی همه دانشجویان،

اساتید و دانشگاهیان ایرانی، از

دانشگاه های ایران حمایت کنند."

اسامی امضاءکنندگان را در ضمیمه این

شماره ببینید.

## بیانیه روزنامه نگاران ایرانی

## دعوت برای حضور در اجتماع بزرگ بروکسل

ایرانیان! زنان، مردان، دختران و پسران جوانی که به جهان نشان دادید ملت ایران سر فراز، آزاد است و حقوق خود را از راههای مسالمت آمیز و بدون خشونت دنبال می کند.

هموطنان آزاده ما در بروکسل از همه ایرانیان خواسته اند: "در چارچوب خواست ها و شعارهای مردم ایران در متینگ اعتراضی که در برابر شورای اروپا برگزار می شود، شرکت کنید."

رضا علامه زاده فیلمساز برجسته و جواد طالعی روزنامه نوی سرشناس هم از این حرکت پشتیبانی کرده اند.

ما روزنامه نگاران ایرانی از همه ایرانیان عزیز می خواهیم به این دعوت پاسخ مثبت بدهند.

مالیرانیان جمع می شویم تا صدای خود را بگوش جهانیان برسانیم و اعلام کنیم: دولت ایران حاصل یک کودتای سیاسی است و برای استقرار خود که با پایمال کردن ۳۰ میلیون رای بدست آورده، دست به خشن ترین جنایات زده و تظاهرات آرام ایرانیان را به خون کشیده است.

ما گرد می آیم تا از دولت های جهان بخواهیم از به رسمیت شناختن این دولت غیرقانونی خود داری بکنند.

هوشنگ اسدی- نوشابه امیری- روزه امیر ابراهیمی - حسین باستانی - شهرام رفیع زاده - عیسی سحر خیز- مهدی عبدالله زاده - مسیح علی نژاد- نیک آهنگ کوثر- امید معماریان- ابراهیم نبوی - علیرضا نوری زاده

در این گرد هم آیی این شخصیت های سیاسی، اجتماعی و هنری بلژیکی و ایرانی همبستگی خود را با مردم ایران اعلام خواهند کرد:

بهرخ بابایی، هنرمند تئاتر و خواننده، آلمان / رضا دقتی، عکاس و دارای جایزه «ژویون دونور» از

رئیس جمهور فرانسه و بنیانگذار دانشکده سینمای زنان در افغانستان، فرانسه / ایزابل دوران نماینده و

معاون پارلمان اروپا و از رهبران حزب سبزهای بلژیک / نسیم خاکسار، نویسنده، هلند / بارتس ستاس، نماینده پارلمان اروپا - حزب سبز هلندی زبان (گرون)، بلژیک / گروه شنبه زاده، موسیقی فولکلوریک

جنوب ایران (بندری)، فرانسه / رضا علامه زاده، کارگردان سینما، هلند / پرویز قلیچ خانی، کاپیتان

سابق تیم ملی فوتبال ایران و سر دبیر مجله آرش، فرانسه / استفان گالون - مسئول دپارتمان بین المللی

بزرگترین سندیکای کارگری «اف. ج. ت. ب.»، بلژیک و نسان لورکن، وکیل خانواده های قربانیان

رژیم جمهوری اسلامی ایران در سی سال گذشته، بلژیک / محسن مخملباف، کارگردان سینما، فرانسه

پاتریک موریو نماینده پارلمان و شهردار از حزب سوسیالیست فرانسه زبان، بلژیک / شاهین نجفی،

خواننده معروف رپ، آلمان / آرنو وان پرات، رئیس سازمان سراسری دانشجویان لیبرال، بلژیک

دومینیک ویرتس، از کادر رهبری حزب «ث. د. هاش» (مرکز دموکراتهای اومانیست) بلژیک

برگزارکننده: ایرانیان ساکن بلژیک

نشانی: بروکسل نشانی - میدان شومن-چهار ژوئیه - ساعت ۱۶

Rond-Pont Schuman

1040 BXL

METRO SCHUMAN

برای ارتباط و اطلاعات گرفتن لطفاً با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

## غزلی برای این روزها

## به ندا آقا سلطان

می خواستند از بدنت پر درآورند  
از شانه هات بال کیبوتر درآورند

بی شک گلگوله ها خودشان دل نداشتند  
از سینه های سوخته ات سر درآورند

قمری نمی گریست، نمی شد پرنده را  
در سوگ یک پرنده ی دیگر درآورند

باور نمی کنم بتوانند اینچنین  
خون از دهان و بینی دختر درآورند

باور نمی کنم بتوانند سیل خون  
از چشم این گلایل پرپر درآورند

این روز محشر است که نامردها دمار  
از روزگار خواهر و مادر درآورند

شاید فرشته ها به خدا قول داده اند  
این لحظه را به شیوه ی محشر درآورند

همواره عاجزند که این اشکواره را  
این روزها به حالت دیگر درآورند

امکان ندارد این خس و خاشاک خشم را  
از این دو چشم قهوه ای تر درآورند

## حامد رحمتی

## به خواهرم ندا

به خواهرم ندا...

از شهر خبر دارم

از بیلپوردها

از آدم ها

هر شب

روی پشت بام ،

به ستاره ها

خیره می شود خواهرم،

و با چشم گریان

## سومین راهپیمایی عظیم برلین

ایرانیان مقیم برلین اعلام کرده اند سومین راه پیمایی عظیم خود را فردا ۱۴ تیر مصادف با ۵ جولای برگزار خواهند کرد.

بیانیه راه پیمایی که توسط "حمایتگران جنبش همگانی مردم ایران"؟ امضاء شده ، باین شرح است:"یاران عزیز، وطن کماکان در تپی تند می سوزد. دوستان، بستگان و هموطنان ما، شبانه روز زیر فشارهای شدید امنیتی و سرکوب های روزافزون همچنان برای آزادی خود تلاش می کنند.

در اینجا وظیفه ی ملی هر کدام از ماست که با توجه به تصمیم شورای نگهبان در تایید نتیجه انتخابات و بی اعتنایی به رای و صدای اعتراض مردم، صدای هموطنانمان را که کودتاگران با سانسور رسانه ها و خبرگزاری های خارجی و زیر چماق، سعی در خاموش کردن آن دارند به گوش جهانیان برسانیم و از کشور های اروپایی بخواهیم که دولت کودتا را همچنان به رسمیت نشناسند و منافع مالی و سیاسی خود را به دفاع از حقوق بشر و تداوم مخالفت با کشتار و سرکوب دسته جمعی در ایران ترجیح ندهند.

به این مناسبت از مقامات سیاسی آلمان و چهره های ایرانی و آلمانی دعوت شده است که در کنار ما باشند و دیدگاههای خود را برای همگان بیان کنند

سومین راهپیمایی عظیم برلین در روز یکشنبه ۵ جولای ساعت ۱۲ تا ۱۶ از این محل برگزار خواهد

شد : Gedächtniskirche تا Nollendorfplatz

## احضار ۲۷ سفیر ایران

## در اتحادیه اروپا

## اقدامات بعدی: ممنوعیت سفر مقامات جمهوری اسلامی به اروپا- کاهش سطح روابط با تهران

27 کشور عضو اتحادیه اروپا ،ادیروز جمعه 12 تیرماه (3 ژوئیه) ، در اعتراض به بازداشت کارمندان سفارت بریتانیا در تهران سفرای ایران در کشور هایشان را احضار کردند.

این تصمیم در پی نشست نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل گرفته شد.

یکی از مقامات وابسته به اتحادیه اروپا گفت:" شرکت کنندگان در این نشست موافقت کردند تا اقداماتی تدریجی در قبال ایران داشته باشند. از جمله اقداماتی که احتمالاً اتحادیه اروپا علیه ایران اعمال خواهد کرد، خارج کردن سفرایش از ایران و ممنوعیت سفر مقامات ایرانی به کشورهای اروپایی است.

وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، هفته گذشته از ایران خواسته بودند تا نسبت به آزادی کارکنان سفارت بریتانیا در ایران و یک خبرنگار یونانی که در جریان ناآرامی های اخیر در این کشور بازداشت شد، هر چه سریعتر اقدام کند.

پ تصمیم گیری درباره اتخاذ اقدامات شدیدتر علیه ایران موکول به نشست هشت کشور عمده صنعتی موسوم به گروه 8 خواهد بود، که قرار است هفته آینده در ایتالیا برگزار شود.

احمد جنتی، از فرماندهان اصلی کودتای ۲۲ تیر و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه دیروز اعلام کرد:" تعدادی از کارمندان ایرانی سفارت بریتانیا در تهران که در روزهای گذشته بازداشت شده اند، به اتهام دست داشتن در ناآرامی های اخیر، محاکمه خواهند شد. "

اتحادیه اروپا که " آماده اقدام " بود بلافاصله سفرای خود را احضار کرد.

هشت کشور عمده صنعتی موسوم به گروه 8 در نشست هفته آینده خود در ایتالیا درباره اتخاذ اقدامات شدیدتر علیه جمهوری اسلامی تصمیم گیری خواهند کرد.

موهای عروسکش را

لمس می کند

پدر

با صدای گرفته اش

فریاد می زند

\_ دخترم

خدا بزرگ است

اما من

از شهر خبر دارم

از بیلپوردها

از آدم ها

## بیانیه آیت اله العظمی یوسف صانعی

### اعترافات تلویزیونی ارزش شرعی و قانونی ندارد

آیت الله العظمی یوسف صانعی اعلام کرد: "پخش اعترافات تلویزیونی آنها از «رسانه های انحصاری»، ارزش شرعی و قانونی ندارد."

آیت الله یوسف صانعی در بیانیه خود آورده است: "طی روز های اخیر «همچنین شاهد پخش اعترافات برخی از زندانیان در رسانه های انحصاری بوده ایم که بر همه واضح است این اعترافات حداقل به علت زندانی بودن متهمین و شرایط خاص آنها از نظر شرعی، قانونی و عقلانی هیچ گونه ارزشی نداشته و ندارد.»

پیشتر سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت این اعترافات را بی اعتبار خوانده بودند و سازمان عفو بین الملل شیوه گرفتن اعتراف اجباری را رد کرده بود.

آیت الله صانعی با اشاره به «قانونی و شرعی» نبودن این اعترافات گفته است: «لکن نباید اینگونه ظلمها، آزار و اذیت ها، ترفندها، مکرها، دروغها و ... موجب یأس و ناامیدی در راه احقاق حق شرعی و قانونی و حاکمیت مردم بر سرنوشتشان گردد؛ چون علاوه از آنکه ناامیدی از رحمت خداوند خود از معاصی و گناهان کبیره است."

آیت الله صانعی در بخش دیگری از بیانیه خود به مواضع میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامشروع دانستن دولت آینده احمدی نژاد اشاره کرده و نوشته است: «کاندیداهای معترض به مسئولین انتخابات و روند و نتیجه آن و نظر شورای نگهبان همانگونه که در نامه» مهدی کروبی و بیانیه میرحسین موسوی آمده است؛ «از نظر سیاسی و قانونی مشروعیت دولت را مورد سوال قرار داده و آنرا نفی می نمایند که نشانگر عدم اقتناع آنان و توده زیادی از مردم از شیوایات پیش آمده در انتخابات است که خود بواسطه کاهش پشتوانه و حمایت های مردمی، می تواند موجب ناکارآمدی دولت گردد و ممکن است ادامه اش موجب مشکلات حقوقی و مدنی شود»

آیت الله صانعی ابراز امیدواری کرده است که «راه دفاع از حقوق مردم و حفظ عقاید دینی آنها مخصوصاً جوانان و حفظ جمهوری اسلامی همراه با درایت، متانت، آگاهی بخشی و آرامش و امنیت و استفاده از قانون اساسی به معنای واقعی و بهانه ندادن به دست ستمکاران، ادامه یابد که استقامت شرط موفقیت است."

آیت الله صانعی در بخش دیگری خود نیروهای انتظامی را خطاب قرار داده و نوشته است: «به تمام نیروهایی که باید حافظ نظم و جان و مال و ناموس مردم باشند تذکر می دهم که هیچ فرمان و دستوری نمی تواند مجوز و عذری برای تجاوز به حقوق مردم - که حرام و معصیت و ذنب لایغفر است.»

آیت الله صانعی درباره برخورد با معترضان به نتیجه انتخابات گفته است: «در روزهای گذشته همگان شاهد حمله به دانشگاه ها و خوابگاه دانشجویان و ضرب و جرح، قتل و به زندان افکندن عده زیادی از فرزندان این مرز و بوم بوده ایم تا جایی که در آمار رسمی خبر از کشته شدن حدود بیست نفر و زندانی شدن بیش از هزار نفر داده شده است."

پیشتر آیت الله حسینعلی منتظری و آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی از خشونت ها علیه معترضان به انتخابات شدیداً انتقاد کرده بودند.



## Guardian: Arrested, beaten and raped: an Iran protester's tale

گزارش گاردین از شکنجه و آزار جنسی بازداشت شدگان کودتای ۲۲ تیر

### اعتراف نکردم

### بجای بازجویی تجاوز می کردند

روزنامه گاردین چاپ انگلستان گزارشی تکان دهنده از ضرب و شتم و شکنجه و آزار جنسی بازداشت شدگان اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی را منتشر کرده است. متن فارسی این گزارش در وبلاگ خرداد 88 آمده است.

شیراز، سه‌شنبه، ۹ تیرماه ۸۸:

اسفندیار پورگیو

حدود ده و نیم بود که از پنجره‌ی مغازه دیدم. از دور می‌شد تشخیص داد که بازداشت بوده و تازه آزاد شده. تمام صورتش کیود بود، دندان‌هایش را شکسته بودند و دور چشم‌هایش باد کرده بود به طوری که به سختی می‌توانست بازشان کند. بعد از آزاد شدن مستقیم رفته بود خانه ولی پدرش راهش نداده بود.

گفته بود: «دیگر جای توی این خانه نیست.» نگفته بود که بهش تجاوز کرده‌اند. فقط گفته بود که دو هفته بازداشت بوده. من هم اول متوجه نشدم. به من چیزی نگفت، تا این‌که دکتر تشخیص داد و خودش هم تأیید کرد. هیچ کس توی خانواده‌اش مدرسه نرفته. مادرش مرده ولی چندتا خواهر و برادر دارد. به او حسودی می‌کنند چون دیپلمش را رفته. آدمی است خیلی معمولی، دوست‌دختر دارد، هجده سالش است و چهارشانه است و قیبلند. قبلش اهل سیاست هم نبود. موقع انتخابات آمد از من پرسید که به نظر من چه کسی رأی بدهم. به من اعتماد دارد. پدرش طرفدار احمدی‌نژاد است و یک سال است که به او می‌گوید منافق. در یکی از شهرستان‌های اطراف شیراز مغازه دارم. امروز صبح زود از بازداشتگاهی در مرکز شهر آزاد شد.

خودت می‌دانی کجاست. مسافت زیادی را پیاده آمد تا رسید به ستاد، بعد تاکسی گرفت و به تاکسی گفت که پول ندارد. تاکسی هم او را تا ترمینال آورد. بعد سراغ راننده‌ای رفت که می‌شناخت او هم بی‌آن‌که پولی بگیرد آوردش تا همین شهر ما. روی صندلی افتاد. سوال‌ها را من شروع کردم. آری، بازداشت بوده. اولین چیزی که گفت این بود که جایی را ندارد برود. آیا می‌تواند یکی دو روزی پیش من بماند؟ گفتم اگر می‌تواند یکی دو ساعت صبر کند تا بعد با هم به خانه برویم. موافقت کرد. به یکی از دوستان پزشک زنگ زد تا بیاید خانه او را ببیند. بعد بردمش خانه. کتف و بازویش پارگی داشت. زخم بود. صورتش هم علاوه بر کوفتگی زخم شده بود. استخوان‌هایش شکسته بود ولی تمام بدنش ضرب دیده بود. می‌خواستم از او عکس بگیرم که

نگذاشت. دکتر گفت تنها چهارتا از دندان‌هایش سالم مانده، بقیه‌اش شکسته. نمی‌شد حرف‌هایش را فهمید. آن وقت دکتر توضیح داد چه اتفاقی افتاده. پارگی مقعد داشت و دکتر احتمال خونریزی روده بزرگ می‌داد. گفت باید به سرعت ببریمش بیمارستان. گفت برایش بدن باقی نگذاشته‌اند، این دیگر آدم بشو نیست. دکترش آدم ترسویی است ولی تمام روزش را صرف او کرد. هرکه بود از دیدن صحنه شوکه می‌شد. در بیمارستان به اسمی دیگر پذیرفتندش. دفترچه‌ی بیمه‌ی کس دیگری را نشان دادیم. پرستارها گریه می‌کردند، به خصوص دو تایشان که مرتب می‌پرسیدند کدام حیوانی او را به این روز انداخته. چهار ساعت بی‌هوش بود، آرام‌بخش که تزریق کردند به هوش آمد. همراهان سایر مریض‌ها جمع شده بودند ببینند چه بلایی سرش آمده. بعد به هوش آمد. کاملاً در هم شکسته بود. می‌گفت پول‌تان را برای من دور نریزید، وقتی از بیمارستان مرخص بشوم خودم را می‌کشم. بیشتر از همه از این ناراحت بود که نتوانسته در کنکور شرکت کند. دوشنبه دو هفته پیش گرفته بودندش. جمعی از جوان‌های درشت‌اندام سپر انسانی دور تظاهرات‌کنندگان تشکیل داده بودند. او هم یکی از آن‌ها بوده. می‌گفت توانسته چندتا از یگان‌های ویژه را بزند. آن‌ها را به درون جمعیت می‌کشیده و کتکشان می‌زدند. ولی گوشه‌ای گیرش آورده‌اند و روی سرش ریخته‌اند. مرا تا شب توی ماشین حبس کرده

بودند بعد منتقل کردند به سلول انفرادی. دو روز در سلول انفرادی بودم. مرتباً بازجویی‌ام می‌کردند، کتک‌ام می‌زدند و از سقف آویزان می‌کردند. بهش می‌گویند جوجه‌کیاب. دست و پای آدم را به هم می‌بندند و از سقف آویزان می‌کنند، بعد می‌چرخانند و با کابل می‌زنند. می‌گفتند اگر همکاری نکنی جوجه‌کیاب‌ات می‌کنیم. "روزی یک وعده غذا می‌دادند و آب گرم برای نوشیدن. سیلی مکرر جزو مجازات‌ها بود. در بازجویی‌ها مرتباً می‌پرسیدند که آیا از خارج دستور گرفته‌ام؟ بعد مرا پیش قاضی بردند که قرار بود حکم نهایی را صادر کند. مرا به دو میلیون و پانصد هزار تومان جریمه محکوم کرد و دو سال زندان تعلیقی و تعزیری. گویا تماش ظاهرسازی بود. فکر کردم از بازداشتگاه می‌برند زندان. ولی مرا به جایی فرستادند که اسمش را گذاشته‌اند «اتاق گردن‌کلفت‌ها». چند جوان دیگر هم به سن و سال من آنجا بودند. از یکی از مأمورها پرسیدم که چرا مرا به زندان نفرستاده‌اند. گفت هنوز چند روزی باید مهاتمان باشی. "در حین بازجویی از من خواستند که تعهد بدهم و اعتراف کنم. نکردم. گفتند «از دوستانات بپرس که با کسانی که همکاری نمی‌کنند چه کار می‌کنیم.» بقیه را هم

دوشنبه بیست و پنج گرفته بودند. نگران بودم که نکند مردم از خیابان‌ها رفته باشند و تظاهرات ساکت شده باشد. با هم‌سلولی‌هایم مشورت کردم چه کار کنم. هیچ‌کس نظری نداشت. و سوسه شدم اعتراف کنم ولی نکردم. از روز سوم دوباره شروع کردند به کتک زدن. روز بعد، دوباره بازجویی کردند و ریختند روی سرم. اصرار داشتند که از خارج دستور می‌گرفته‌ام. من هم می‌گفتم که صرفاً به رأیم اعتراض داشته‌ام. شنبه یا یکشنبه (روز پنجم یا ششم) بود که برای اولین بار به من تجاوز کردند. سه چهار مأمور درشت‌هیکل که قبلاً ندیده بودیم وارد شدند. گفتند «ما با گردن‌کلفت‌ها جور دیگری رفتار می‌کنیم.» بعد سر وقت من آمدند و شروع کردند به پاره کردن لباس‌هایم. فهمیدم چه قصدی دارند و سعی کردم از خودم دفاع کنم.

دونفرشان مرا روی زمین خواباندند و نفر سوم کارش را کرد. آن‌هم در مقابل سایر بازداشت‌شدگان. آن‌ها هم کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد. نمی‌توانستم ببینم‌شان اما شنیدم که تحرکی کردند و کتک‌شان زدند. چهار پنج دقیقه بیشتر طول نکشید. به هم‌سلولی‌هایم گفتند «ببینید ما با گردن‌کلفت‌ها چه کار می‌کنیم.» بعد رفتند. "هم‌سلولی‌هایم به خصوص یکی‌شان که سن‌اش بیشتر بود مرا دلاری می‌دادند. می‌گفتند کسی با این کار شخصیت‌اش خرد نمی‌شود. می‌گفتند باید بیهوش‌اش را به تن‌ات می‌مالیدی. "هیچ وقت فکر نمی‌کردم واقعاً چنین کاری بکنند. شنیدن‌اش خیلی فرق دارد با این‌که ببینی دارد چه به سرت می‌آید. به‌خصوص من که همیشه خودم را قوی می‌دانستم. در روزهای بعد این کار را با دو هم‌سلولی دیگر هم کردند. بعدش دیگر روال

عادی شد و هر روز این کار را می‌کردند. مردی که بار اول این کار را با من کرده بود یکبار گفت «من باز هوس این خوشگل را کرده‌ام» ولی دیگران به او یادآوری کردند که «نه، به نوبت.» آن‌قدر ضعیف شده بودیم و کتک خورده بودیم که کاری از دست‌مان بر نمی‌آمد. اولین‌بار که این کار را با کسی دیگر کردند سعی کردم واکنشی نشان بدهم ولی چنان کتکم زدند که باقی‌اش را یادم نمی‌آید. آن‌گاه دوباره منتقمم کردند به سلول انفرادی. بازجویی‌ها دوباره شروع شد. در سه روز قبل بازجویی در کار نبود، فقط کتک می‌زدند. می‌گفتند «حالا آدم شدی؟ فهمیدی ما با گردن‌کلفت‌ها چه کار می‌کنیم؟ اگر آدم نشوی می‌فرستیمت عادل آباد بند بچه‌بازها که هرروزت همی باشد.» آن‌قدر ضعیف شده بودم که نمی‌دانستم چه جوابی بدهم. آن‌وقت گفتند باید رابطه‌ایت را افشاء کنی. گفتیم رابطه‌ی ندارم و خبر تظاهرات را از روی اینترنت گرفته‌ام و به نظرم کار درستی آمده و شرکت کرده‌ام. آن روز شلواری به من دادند چون شلواری خودم دیگر قابل‌استفاده نبود. همین رویه ادامه داشت تا امروز صبح که آزد شدم. بعضی وقت‌ها دوبار در روز این کار را می‌کردند. سه‌شنبه‌ها حتا یادم نمی‌آید که چه کار کردند. "اما این را می‌دانم که از کارشان لذت می‌بردند و قصدشان فقط شکنجه‌ی من نبود. احتمالاً به همین دلیل هم مرا از دیگران جدا کردند. از من خوش‌شان آمده بود. به غیر از یکی‌شان، بقیه‌شان درشت‌هیکل بودند. در هفته‌ی آخر، دیگر بازجویی و کتک زدن در کار نبود. فقط تجاوز می‌کردند و سلول انفرادی.. " این چیزهایی است که او تعریف کرده. ولی نه به این صورت. باید جاهای خالی‌اش را با حدس و گمان پر می‌کردم و از او می‌پرسیدم تا تأیید کند. رنج جسمی و روانی فراوانی برد تا این‌ها را تعریف کند و در میانش می‌زد زیر گریه. از او خواستم که این کار را بکند شاید سودی به حال کسانی داشته باشد که به وضعیت مشابهی دچارند.

# روزنامه سبز

ضمیمه شماره ۶

برنامه هفته

دوشنبه ۱۵ - سه شنبه ۱۶ - چهارشنبه ۱۷

تیر ماه ۱۳۸۸

به فرمان رئیس جمهور میرحسین موسوی

اعتکاف میکنیم

**اعتکاف = اعتصاب**

تا ابطال انتخابات قلبی نهضت ادامه دارد

جنبش سبز مردمی

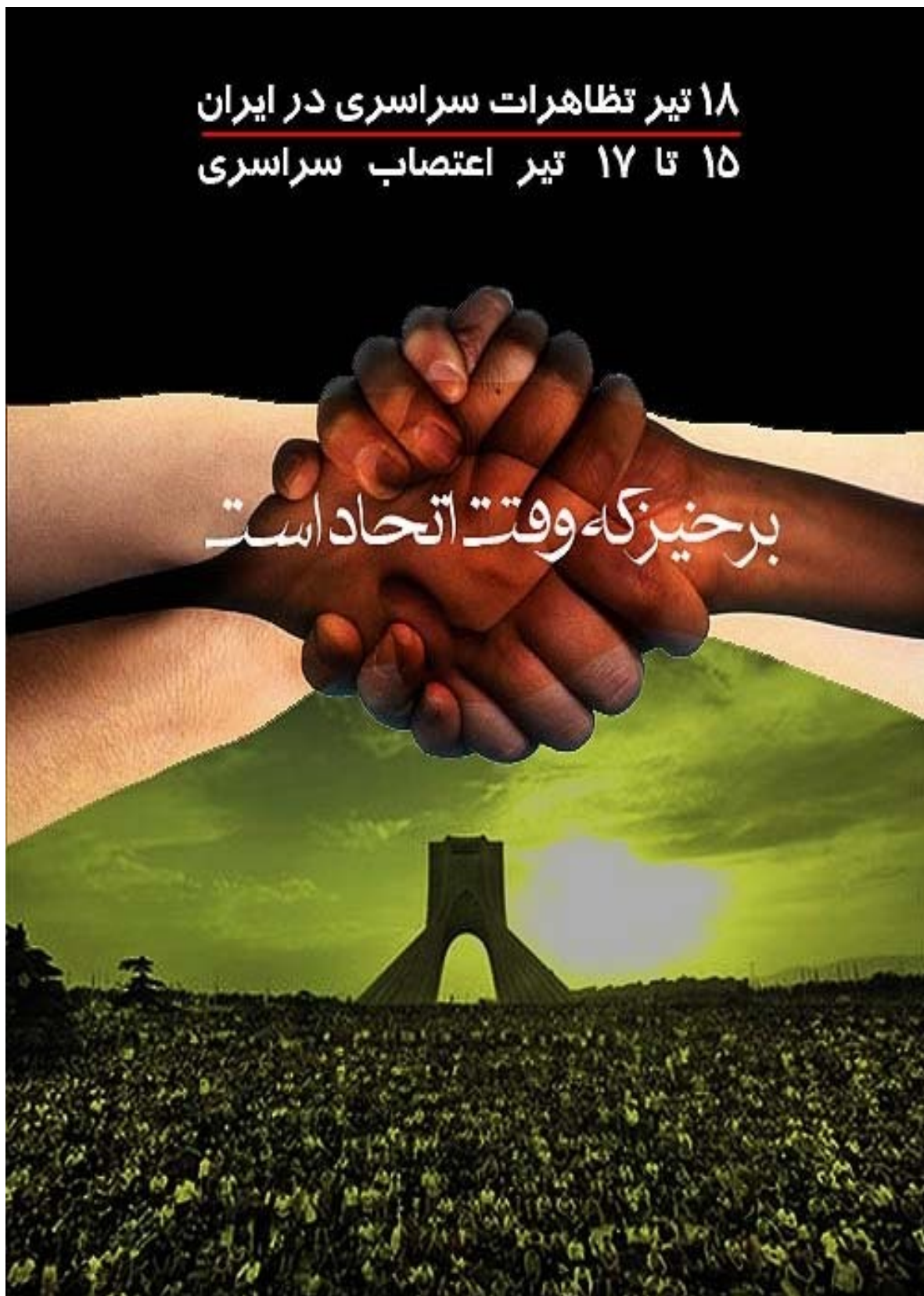


برنامه عمومی

تدارک راه پیمائی سراسری ۱۸ تیر

۱۸ تیر تظاهرات سراسری در ایران  
۱۵ تا ۱۷ تیر اعتصاب سراسری

برخیز که وقت اتحاد است





## نامه سرگشاده مهندس عبدالعلي بازرگان به خلیفه علی خامنه ای

# خامنه ای: عامل اصلی کشتار و شکنجه

هو‌العلي الكبير

جناب آقای سید علی خامنه ای، میدانم با چه زبان و از کدامین ظلم و جنابیتی با شما سخن بگویم که مشفقان و دلسوزانک ملت نگفته باشند؟ در نظام متمرکز و مطلقه‌ای که همه راهها منتهی به رأی و تصمیم شخصی شما گشته، نامه‌های ناصحانه متعددی در ارتباط با تقلب انتخاباتی و سرکوب خونین معترضین به جنابعالی نوشته شده که هیچکدام هم پاسخی دریافت نکردند. بنده نیز امیدی ندارم این نوشته از کانال‌های کنترل شده ارتباطی بیت بگذرد و به رویت شما برسد، با این حال بنا به وظیفه ملی و دینی خود نکاتی را یادآور می‌شوم. در نظام ولایت مطلقه فقیه، شما و تئوریسین‌های این تئز مدعی هستید مشروعیت خود را نه از آراء اکثریت مردم، بلکه از پیوند به ولایت اهل بیت مطهر پیامبر مکرّم اسلام می‌گیرید. سرسلسله ولایت و عرفان در مکتب تشیع امیرالمؤمنین علی(ع) است که دیدگاه سیاسی خود و معیارهای مطلوب حکومتی را در "عهدنامه‌ای" که به "امشور حکومت اسلامی" شهرت یافته، تدوین کرده است. عهدنامه‌ای که برای اداره سرزمین بزرگ مصر به "مالک اشتر" سپرده تا در مأموریت خطیر خود به عدالت رفتار کند. بنابراین بر آن شدم عملکرد شما در وقایع خونبار اخیر را در عرضه به این منشور، که تبلور عصاره تجربیات حکومتی نخستین امام مکتب تشیع است، مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهم. گرچه این نکات را بهتر از من می‌دانید، اما خواستم به مصداق: "فکران الذکری تنفع المومنین"، هرچند خوشایند شما و چاپلوسان نباشد، هم یادآوری کرده باشم، و هم به کسانی که ولایت شما را از سنخ همان ولایت می‌دانند تفاوت زمین تا آسمان را به توفیق حق نشان دهم. الف – ببینید ملت به رهبری جناب آقای خامنه‌ای، میلیون‌ها ایرانی آزاده، به حق یا باطل، شما را در حوادث اخیر به خاطر حمایت بی دریغتان از رئیس‌جمهور و تقلب آشکار انتخاباتی همکاران او، عامل اصلی تشنجات و کشتارها می‌دانند و سیاست‌های یک طرفه و استبدادی شما را محکوم و عدالت و صلاحیت رهبریتان را انکار می‌کنند. جنابعالی مسلماً چنین قضیاتی را بر نمی‌تابید، اما مدعی پیروی از کسی هستید که (در همان عهدنامه) فرمود:

اگر ملت بر تو گمان ستمگری بزد( حکم ترا ظالمانه بنمارد)، عذر خویش را با شفافیت تمام برای آنها بیان کن و بدگمانی مردم را با دلایل روشن از خود دور ساز. مسلماً در این (تمکین به حقوق و حاکمیت مردم) ریاضتی است که باید بر خود دهی، و رافقتی است با مردم، و رسیدنی است به آرمانت که باید برپاداشتن مردم در راه حق باشد (بند ۱۳۰ عهدنامه).

اما شما جز تأیید شتابزده سخت انتخابات پیش از زمان قانونی آن و مردود شمردن ادعای مخالفین بر تقلب درامانت. آراء، نه تنها هیچ دلیل و منطقی جز پافشاری بر درستی و "شیرینی"! آن ارائه ندادید، بلکه نیروهای سرکوب تحت فرمانتان را از "تلخی" عواقب کشتار منع نکردید. در حالی که باید به جای تهدید و توبیخ، با عدالت و انصاف و عذرخواهی از ملت، آنها را آموزش و رشد می‌دادید. وجود بسته شدن خبرگزاری‌ها و همه امکانات و ابزار رسانه‌ای. قبل کنترل، برای بی‌خبر نگه داشتن توده‌های مردم از سرکوب سازمان یافته حاکمیت، به نظر نمی‌رسد برای شما محدودیتی برای آگاهی از عوارض این قلع و قمع باشد. آیا هرگز گزارش و عکس از شهدا و مجروحین وقایع اخیر را به سمع و نظر شما رسانده اند؟ آیا می‌دانید نزد خدا و خلقش، به عنوان تصمیم گیرنده اصلی و مسئول مستقیم آنها پاسخگویی در دنیا و آخرت هستید؟ از دو حال خارج نیست؛ یا می‌دانید، یا نمی‌دانید. این سؤال را رهبر سلف شما در آستانه انقلاب از شاه کرد. آیا به یاد نمی‌آورید!؟

اختلاف میان مقام رهبری و ملت، امری بسیار طبیعی و عادی در سایر کشورهاست، در نظام ولایت فقیه، همواره این مردم هستند که صغیر و مهجور و محتاج سرپرستی هستند و حق همیشه با رهبری است و نظر او "فصل الخطاب" و "حکم حکومتی" اش حذف کننده هر حرکت فکری است. اما در همان "عهدنامه"، در تنازع احتمالی رهبر یا ملت (مشابه چنین حوادثی)، تصریح شده است طرفین موظفند به کتاب و سنت (قانون) مراجعه نمایند و رهبری هیچ حق ویژه‌ای بر دیگران ندارد (بندهای ۶۳ تا ۶۵).

جناب آقای خامنه‌ای، اینک متأسفانه میان شما و بخش عظیمی از ملت اختلاف و فاصله‌های عمیق افتاده است که در صورت لجابت و بی‌اعتنایی به حقوق مردم، می‌رود خدای ناکرده به جنگی داخلی و برادرکشی منتهی شود آثار چنین فتنه‌ای که تا ابد بر پیشانی عاملان آن باقی می‌ماند، نام نیکونی از شما باقی نمی‌گذارد. توجه‌تان را به تصویر زشتی از این اوضاع در فرازی دیگر از عهدنامه جلب می‌کنم:

اگر ملت بر رهبری چیره گردد (نظام مدیریت گسسته شود) با رهبری به ملت ستم کند، در این هنگام اختلاف کلمه پدید می‌آید و نشانه‌های زورگویی قدرت آشکار می‌گردد، فریب کاری‌های دینی زیاد می‌شود، عمل به سنت‌های نیکو متروک می‌ماند، هر کس به دلخواه عمل می‌کند، احکام معطل می‌ماند، دردها و بیماری‌های(جسمی و روحی) مردم افزون می‌شود، هیچ‌کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بی‌بمی به دل راه ندهد (بی‌تفاوتی مردم). در این هنگام نیکان به‌مخواری و بدکاران به عزت می‌رسند(خطبه ۱۶۰).

ب- انتقاد به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، علی(ع) که شما سالی را به یاد او نامگذاری کردید، در همان آغاز خلافت، صریحاً مردم را به حق‌گویی (انتقاد) از خود و نظردهی (مشورت) دعوت و تأکید کرد: "من بالاتر از این نیستم که اشتباه نکنم، مگر آنکه خدا کفایت کند" (خطبه ۲۱۶) و در متن عهدنامه معروف خود به مالک هشدار داد: باید نزدیکترین وزیرانت از نظر قرب مقام کسی باشد که بیشترین حرف تلخ حق را به تو می‌زند و آنگاه که عملی از تو سر می‌زند که خدا از اولیانش ناخوش دارد، کمترین یاری را به تو می‌رساند، ... همکارانت را به جد پیاموز تا تو را ستایش و بی‌جهت تجلیل نکنند. (بند ۳۳) شما اگر در حوادث اخیر به جای دستگیری گسترده رهبران گروه‌های سیاسی و صاحب نظران دلسوز ملک و ملت، از بیم واهی بهره برداری از نیروی خشم ملت، و اعتمادتان به تحلیل‌های اطرافیانتان، طبق فرز از زیر با آنان گفتگو و رایزنی می‌کردید، آیا به صلاح خودتان و ملک و ملت مظلوم نبود؟ تا آنجا که می‌توانی با دانایان و حکیمان (کارشناسان) در تثبیت آنچه امور کشور را به اصلاح و مردم را به پا می‌دارد مذاکره کن. (بند ۴۰) رهبران فکری و سیاسی مردم که جای خود دارد، شما طبق این عهدنامه وظیفه دارید بخشی از اوقات هفته را به شنیدن نظریات کسانی که به شما انتقاد دارند، اختصاص دهید: باید قسمتی از اوقات خویش را به کسانی که مطالباتی از خودت دارند اختصاص دهی و در مجلسی عمومی که نهایت تواضع را به خاطر خدا انجام می‌دهی، بدون حضور نیروهای نظامی، حراستی (امنیتی) و پلیس، شخصاً حضوریابی تا گویندگان (شاکبان) بدون لکنت زبان با تو سخن بگویند، که من از رسول خدا، نه یکبار، که به کرات شنیدم که می‌فرمود: هرگز نظامی را که حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی ستانده نمی‌شود، نمی‌توان نظام مقدس (پاک و میرای از عیب) شمرد... (بندهای ۱۰۹ تا ۱۱۱) جناب آقای خامنه‌ای، هواداران شما با کدام معیار، حکومتی را که مطالبه امانت درآراء انتخابات را با ضرب و شتم و ابزار قتاله پاسخ می‌دهند، نظام مقدس!!

می‌شمارند؟ شما وقتی کارهای بزرگ را به اشخاص کوچک می‌سپارید، برای حفظ موقعیت خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند. به راستی منطق شما در حمایت مستمر از آقای احمدی نژاد، که مملکت را با عملکردش در آستانه نابودی قرار داده، جز نزدیک به افکار خودتان، آنچنان که در نماز جمعه گفتید، چیست؟ نمازی که فرصت استثنائی خدائی بود تا جامعه را با قبول تقلب و قضاوت منصفانه خودتان به آرامش بیاورید. اما در "عهد نامه علی" آنگاه که ضوابط گزینش کارگزاران را: داشتن تجربه، حیا، خانواده صالح، سابقه در اسلام پیشگام (نه متحجر)، اخلاق کریمانه، بی‌طمعی مالی، عاقبت اندیشی و ... تبیین میکند به گونه دیگری توصیه شده است: کارگزارانت را پس از آزمایش به کار بگمار، نه با تمایل شخصی و رأی فردی. که این شیوه ظلم است و خیانت (به ملت). (بند ۷۲)

ج- سرکوب مخالفین

کشتار های فجیعی که در برخورد با دانشجویان و یا در تظاهرات مسالمت آمیز خیابانی در حوادث اخیر توسط نیروهای تحت فرمان مستقیم و غیر مستقیم شما رخ داده است، تماماً حکایت از عزم راسخ آن مقام در قلع و قمع مخالفینی می‌کند که

جز تجدید انتخابات مهندسی شده درخواست دیگری ندارند. گویا خدا شدن هزاران نفر برای به کرسی نشاندن تصمیم رهبری و نادیده گرفتن میلیونها درخواست منطقی اهمیت در نظام ولایتی شما ندارد؟!

اگر از خاطرات نبرده باشید، ۵۶ سال قبل در بیدارگاه نظامی شاه، وقتی مرحوم طالقانی و سایر سران نهضت آزادی محاکمه می‌شدند، مهندس بازرگان پس از دریافت محکومیت ده ساله خود خطاب به تیمسار "قره باقی" رئیس دادگاه گفت:

ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون وبه شیوه مسالمت آمیز با شما سخن می‌گوئیم. با محکوم کردن ما ملت خاموش نمی‌شود بلکه با زبان دیگری با شما سخن خواهد گفت. ده سال بعد حرکت‌های چریکی در جنگل‌های "سپاهکل" و

عملیات مسلحانه شهری جایگزین مبارزات مسالمت آمیز پارلمانی شده بود. تشکیلات شما استتار نیست و قوانین الهی شیخ و شاه نمی‌شناسد. شما این سخت‌سری و قاطعیت را به نفع نظام ولایتی می‌دانید، اما در فراز دیگری از منشور حکومتی

علی (ع) نظر دیگری عنوان شده است: ترا هشدار میدهم در باره خونها (جان مردم) و خون ریزی به ناحق. زیرا هیچ عملی بیش از کشتار به ناحق موجب بروز نابسامانی‌های اجتماعی (نقمت) و بی‌آمدهای تخریبی عظیم و زوال و بریده

شدن مدت (حکومت) نمی‌گردد.... مبدا پایه‌های سلطنت خویش با ریختن خون حرام تقویت کنی که چنین شیوه‌ای نه تنها موجب تضعیف و سستی ارکان حکومت، بلکه زوال و انتقال آن (به نظامی دیگر) می‌شود. (بند ۱۴۱)

جناب آقای خامنه‌ای، شما که اجازه ندهید خبرنگاران داخلی و خارجی از صحنه‌هایی که هواداران آفریده‌اند، قیام و گزارشی تهیه کنند، آیا مستقل از فضا و فیلتری که پیرامونتان ایجاد کرده‌اند هرگز فرصت کرده‌اید نیم‌نگاهی به

عکس‌ها و فیلم‌هایی که جوانان جسور با موبایل‌های خود از جنایات‌های مأموران‌تان گرفته‌اند ببینارید؟ آیا حمله نیروهای سرکوبگر در لباس شخصی را که همچون گرگ به جان جوانان برومند وطن افتادند دیده‌اید؟ مگر امام علی(ع) در همان

عهدنامه هشدار نداده بود: مبدا، همچون درندگان به جان مردم افتاده و خورد نشان را غنیمت بشماري. آنها از دو حال خارج نیستند؛ یا برادر دینی تواند و یا ممنوع تو (بند ۹ و ۱۰).

البته شما در نماز جمعه با فراکتی زیرکانه‌ای مسئولیت این جنایت‌ها را به گردن "تروریست‌های نفوذی" انداختید که در پوشش تظاهرات خیابانی ضربات تروریستی خود را وارد می‌کنند. عجباً، چگونه است که تروریست‌ها اهداف خود

را همواره از میان دانشجویان معترض دانشگاه‌ها و در میان مردم عادی انتخاب می‌کنند؟! گفتید: "اینکه بروند دانشگاه و جوان دانشجوی مؤمن و حزب‌اللهی را آنها با شعار رهبری مورد تهاجم قرار دهند دل انسان را واقعاً خون می‌کند"!

اگر چنین احساسی صادقانه است، چرا برای یکبار هم که شده دستور نمی‌فرمایید نیروهای انتظامی شما با نیروهای رسمی با لباس شخصی برخورد و آنها را دستگیر کنند؟ امام علی به مالک اشتر، با آنکه مطمئن‌ترین یاور او بود، در

دفاع از حقوق مردم تازه مسلمان مصر و پرهیز او از اتخاذ شیوه‌های خشن در برخورد با مردم فرمود: اگر به خطا کسی را کشتی یا تازیانه‌ات، یا شمشیرت، یا دستت در عقوبت از حد گذرانید، یا با مشت و بالاتر از آن، به ناخواسته

مرتکب قتل شدی، نباید گردن کشتی و غرور قدرت تو مانع آید که خون بهای مقتول را به خانواده اش بپردازي. جناب آقای خامنه‌ای، در نظام ولایتی شما خونبها که پیش کش! جنازه جوانان را هم به خانواده‌ها نشان به راحتی تحویل نمی‌دهند

تا بر آنان عزاداری کنند؟! این است رأفت و عطفوت اسلامی ادعائی شما! شما با تحریک عواطف مذهبی نمازگزاران، بخش عظیمی از ملت را فریب خوردگان یا وابستگان به بیگانه شمرده و مرتکب ظلم عظیمی می‌شوید. شما ناله و نفرین

مادران داغدار و فرزندان شکنجه شده آنان را نمی‌شنوید اما در نظام خداوند. سميع و عليم ناله والدين "ندا"های مقتول بدون جواب نمی‌ماند. (بند ۱۹) هیچ عملی برای تغییر نعمت‌ها (راحت و رفاه و امنیت و آزادی) در جامعه و شتاب گرفتن

نعمت‌ها (نومیدی، اعتیاد، فساد، فحشاء و...) مؤثرتر از قدرت گرفتن يك حکومت بر پایه ظلم نیست. زیرا خداوند شنوای دعای شکنجه دیدگان و در کمین ستمگران است.

د- شخصیت پرستی مشرکانه

جناب آقای خامنه‌ای، ملت ما در انقلاب سال ۵۷ از طاغوت زمان که نماد طغیان استبدادی يك فرد بود، نجات یافت و به حاکمیت ملی رسید. اینك پس از ۳۱ سال، گرچه ظواهر و غوایب عوض شده، اما همچنان در بر همان پاشنه می‌گردد

و اکثریت ملت در نظام ولایت مطلقه و شورای نگهبان و سایر نهاد‌های وابسته، از حاکمیت خود محرومند. شیوه‌های شخص پرستی و بت‌سازی مشرکانه از مقامات و تملق و چاپلوسی، سکه رایج زمانه است و بر خلاف امام علی که در

طرد و دفع متعلقین فرصت‌طلب از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد، متأسفانه دیده نمی‌شود مقام رهبری ابراز برانگی از چنین چاپلوسانی کرده باشند. گویا این فراز زیر از عهدنامه به کلی فراموش شده است:

هرگاه از اقتدار خویش احساس ابیت و اوج خیال (در آسمان جاه و مقام) کردی، نگاهی به عظمت ملک خداوند بر بالای سرت بیفکن و قدرت او را بر خویش، که فاقد آنی، در نظر بگیر. با چنین به خود نگرستی سرکشی تو تسکین می‌یابد،

تند و تیزی تو فرو می‌کاهد و عقل و خردی که از توگریخته باز می‌گردد (بند ۱۴).

ر - عدالت پروری

انتظار ملت از شما چیزی جز انصاف و عدالت و ترجیح حقوق ملت بر تمایلات خودتان نیست، شادمانی شما نیز، آنچنان که در عهدنامه آمده است، نباید جز اجرای عدالت و جلب رفاه و رضایت مردم باشد. این سخن امامی است که بکسر

از ولایت او داد سخن می‌دهید: بهترین مایه شادمانی رهبران باید بپا داشتن عدالت در شهرها و ویدیدار شدن دوستی (طرفداری) ملت باشد و چنین دوستی حاصل نمی‌شود، مگر با خوشبینی‌شان و این نیز حاصل نمی‌شود جز با گردآمدنشان

پیرامون مسئولین امور و سنگین شمردن بار دولت آنها بردوش خود و ترک آرزوی سر آمدن دوران زمامداری‌شان (بند ۵۸). جناب آقای خامنه‌ای، پایان بخش نامه خود را مقدمه عهدنامه امام علی قرار می‌دهم، مقدمه‌ای که به هنگام اعزام

مالک اشتر به سرزمین فراعنه، نوشته شده است:

ای مالک، بدان که تو را به سرزمینی فرستاده‌ام که پیش از تو دولت‌ها دیده، برخی دانگر و برخی ستمگر. و مردم در کارهای تو به همان چشمی می‌نگرند که تو در کار رهبران پیش از خود می‌نگری و درباره تو همان می‌گویند که درباره

آنان می‌گوئی و نیکوکاران را از آنچه خدا بر زبان مردم جاری می‌سازد توان شناخت. مبین عزیز ما بیش از ۲۵ قرن است در سلطه سلسله سلاطینی، عموماً ستمکار زیسته است، زمان زیادی نداری تا قضاوت بندگان خدارا عوض کنی.

آریامهر!! آنگاه صدای انقلاب مردم را شنید که فریاد "مرگ برشاه" همه فضایی شهر را پر کرده بود. به نصیحت امیرمؤمنان گوش دل بسپارید که فرمود: کفایت کار مردم به عهده تو قرار گرفته و خداوند ترا در رفتار با ملت امتحان

می‌کند. پس خود را در جنگ با خدا قرار مده که قدرتی در برابر انتقام او نداری و نیز بی‌نیاز از عفو و رحمتش نیستی (بند ۱۱). ... و مالریدان اخالفکم الی ما انهیکم عنه ان ارید الاصلاح ماستطعت و ماتوفیقی الایابله علیه توکلنت و

الیه انیب (هود ۸۸).

امضای ۷۸ استاد معتبر دانشگاه های بزرگ جهان از تلاش دانشگاهیان ایران برای رسیدن به عدالت، برابری، آزادی بیان

و دمکراسی .

1. Prof. Ali Gorji, Munster University, Germany
2. Prof. George G. Somjen, Duke University, Durham, USA
3. Prof. Jaideep Kapur, University of Virginia, USA
4. Prof. Martin Lauritzen, Copenhagen University, Denmark
5. Prof. Mohsen Mohadjer, Freiburg University, Germany
6. Prof. Jens Dreier, Berlin University, Germany
7. Prof. Jerome Engel, Jr., David Geffin School of Medicine at UCLA, Los Angeles, USA
8. Prof. Ingrid Tuxhorn, Cleveland University, USA
9. Dr. Gabriel Moddel, Munster University, Germany
10. Prof. Rubem C. A. Guedes, Univ. Federal de Pernambuco, Brazil
11. Dr Thomas Seidenbecher, Munster University, Germany
12. Prof. Michael Madeja, Frankfurt Hertie Foundation, Germany
13. Dr Johannes Wölfer, Munster University, Germany
14. Professor David N. Rahni, New York Pace University, USA
15. PD. Dr. Christian Stock, Munster University, Germany
16. Prof. Nader Sohrabi, Columbia University, USA
17. Dr. Rodrigo Iturriaga, Universidad Catolica de Chile Santiago, Chile
18. Dr. Jed Hartings, University of Cincinnati, USA
19. Dr. F. Simyar, Dean, College of Business, Chicago State University, USA
20. Prof. Dr. Michael Mueller, Goettingen University, Germany
21. Prof. Thomas-Nicolas Lehmann, HELIOS Klinikum Bad Saarow, Berlin, Germany
22. Dr. Markus Dahlem, Technical University Berlin, Germany
23. Prof. Abolghasem Sepehrnia, Münster, Germany
24. Prof. Reza Soleymani, Concordia University, Canada
25. Prof. Alexandra Hrycak, Reed College, Portland, Oregon, USA
26. Dr. Yahya Aghakhani, Winnipeg, MB, Canada
27. Prof. Erwin-Josef Speckmann, Münster, Germany
28. Dr. Behzad Mansouri, MCGill University, Montreal, Canada
29. Prof. Thomas Budde, Münster University, Germany
30. Prof. Dr. Eberhard A. Deisenhammer, Medical University Innsbruck, Austria
31. Prof. Heidrun Straub, Münster University, Germany
32. Ass. Professor Dr. Hossein Kashani, Uddevalla Specialistkliniken för ÖNH/käkkirurgi, Trollhättan, Sweden
33. Dr. Ullrich Wruck, Helios-Klinikum Bad Saarow, Berlin, Germany
34. Ass. Prof. Tobias Loddenkemper, Harvard Medical University, Boston, USA
35. Prof. Dr. Diethelm W. Richter, Goettingen University, Germany
36. Prof. Dr. Detlev Schild, Goettingen University, Germany
37. Dr. Cenk Ayata, Harvard Medical University, USA
38. Prof. Tavakoli, Freiburg University, Germany
39. Dr. Assad Yavari, Grevenbroich, Germany
40. Prof. Gabriele Flugge, German Primate Center, Göttingen Universität, Germany
41. PD Dr Swen Hülsmann, Goettingen University, Germany
42. Dr. Mary E. Gilbert, US Environmental Protection Agency, Durham, USA
43. Prof. Hans Wassmann, Munster University, Germany

44. Prof. Pier Cosimo Magherini, Univ.of Modena & R.Emilia, Modena, Italy
45. Dr. Anja Urbach, Friedrich Schiller University, Jena, Germany
46. Prof. Reza Shadmehr, Johns Hopkins University School of Medicine  
Baltimore, USA
47. Dr. Stéphanie Graebenitz, Muenster University, Germany
48. Prof. Leopoldo Bon, University of Modena and Reggio Emilia, Italy
49. Dr. Jörg Lesting, Münster University, Germany
50. Dr. Christian Schmeer, Friedrich-Schiller University, Jena, Germany
51. Dr. Johannes Brockhaus, Münster University, Germany
52. Dr.Rajeevan, T. Narayanan, Munster University, Germany
53. Dr. Alexander Wolff, TU Eindhoven, The Netherlands
54. Dr. Hector Romo-Parra, Muenster University, Germany
55. Dr Frédéric CHAUVEAU, Munster University, Germany
56. Prof. Dr. Reza Asghari, Fachhochschule Braunschweig/Wolfenbüttel Brunswick European Law School,  
Wolfenbüttel, Germany
57. Dr. Jaroslav Turanek, Veterinary Research Institute, Brno, Czech Republic
58. Prof. Dr. Volker Gerke , University of Muenster, Germany
59. Prof. Erez Raz, Munster University, Germany
60. Prof. Dr. med. Christoph Redecker, Universitätsklinikum Jena, Germany
61. Dr. Marc van Kreveld, Utrecht University, The Netherlands
62. Prof. Dr. Alexander Schmidt, Muenster University, Germany
63. Prof. Dr. Dr. h. c. Ulrich Joos, University Münster, Germany
64. Egill Rostrup, MSc. DMSC, Chief Physician, Glostrup University Hospital, Copenhagen, Denmark
65. Dr. Regine Schuon-Joos, IMC Münster, Germany
66. Prof. Said Arjomand, University of New York Stony Brook, USA
67. Dr. Ute Wegmann, University Münster, Germany
68. Prof. Dr. Karl Zilles, Duesseldorf University, Germany
69. Dr. Stjepana Kovac, Institute of Neurology, Queen Square, London, England
70. Dr. Christian Dohmen, Cologne University, Germany
71. Emeritus Prof. Anthony Strong, London, England
72. Dr. Kamil Uludag, Tuebingen University, Germany
73. Dr. Christian Albertus, Værløse, Denmark
74. Prof. Dr. Franz Pera, Münster University, Germany
75. Prof. Nasrin RahimiehUniversity of California, Irvine, USA
76. Prof. Bettina Speckmann, TU Eindhoven, The Netherlands
77. Prof. Dr. Peter Martus, Charité University Medicine, Berlin, Germany
78. PD Dr. Christoph Greiner, MVZ Marienhospital Osnabrück, Germany